

Complexities and Dynamics of Formulating Strategic Energy Relations with the Russian Federation

Ahmad Asadzadeh^{1*} - Davoud Karimipour²

Abstract

The establishment of strategic relations with the Russian Federation has long occupied the minds of decision-makers and researchers in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. A key question for observers of the foreign policies of both the Islamic Republic of Iran and the Russian Federation is whether the formation of a strategic relationship between the two countries can be expected. The findings of this study indicate that Iran and Russia can seriously hope to develop strategic relations. Achieving this will require attention to certain methodological principles as well as the intelligence of relevant institutions in the Islamic Republic of Iran. In this regard, examining the policies and perspectives of Russian leaders on the development of strategic relations shows that the Islamic Republic of Iran must seriously and operationally prioritize the development of informal and personal relations in its agenda. Given the extensive capacities of both countries in the fields of oil, gas, and nuclear energy, formulating a strategic relationship in this area can bring significant mutual benefits for both sides.

This article, based on a futurology approach and using the case study method, examines the depth and future of relations between Iran and Russia.

Keywords

Iran, Russia, Strategic Relations, Outlook.

1. PhD student in Strategic Management, National Defense University (Corresponding Author). apharkhani@gmail.com.

2. Assistant Professor, National Defense University. Karimipour.d@chmail.ir



پیچیدگی‌ها و پویایی‌های تدوین روابط راهبردی انرژی با فدراسیون روسیه

احمد اسدزاده^۱ - داوود کریمی‌پور^۲

چکیده

برقراری روابط راهبردی با فدراسیون روسیه، سال‌های متمادی است که ذهن تصمیم‌سازان و پژوهشگران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خود مشغول ساخته است. پرسش مهمی که در این میان برای ناظران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه وجود دارد، این است که آیا می‌توان انتظار شکل‌گیری یک رابطه راهبردی میان دو کشور را داشت یا خیر. یافته‌های این اثر نشان می‌دهد که ایران و روسیه به‌طور جدی می‌توانند به تدوین روابط راهبردی امیدوار باشند. تحقق این امر، نیازمند توجه برخی اصول متدولوژیک و همچنین هوشمندی دستگاه‌های مرتبط برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در این راستا، بررسی خط‌مشی و دیدگاه رهبران روسیه در زمینه تدوین روابط راهبردی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در تنظیم روابط راهبردی با این کشور باید به‌طور جدی و عملیاتی، توسعه روابط غیررسمی و شخصی را در دستور کار خویش قرار دهد. با توجه به ظرفیت‌های گسترده هر دو کشور در بخش‌های نفت، گاز و انرژی هسته‌ای، تدوین یک رابطه راهبردی در این حوزه می‌تواند منافع مشترک زیادی را برای هر دو طرف به همراه داشته باشد.

این مقاله مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی و بر اساس روش مطالعه موردی به بررسی عمق و آینده روابط میان ایران و روسیه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، روابط راهبردی، دورنما.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، (نویسنده مسئول)، apharkhani@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، Karimipour.d@chmail.ir

مقدمه

تدوین روابط راهبردی در محیط پریپیچ و خم سیاست جهانی به واقع یک هنر خطر در دیپلماسی به شمار می‌رود. بسیاری از متفکران و اندیشه‌ورزان سیاست خارجی و روابط بین‌المللی پیرامون این که چگونه دولت‌ها، می‌توانند همکاری‌های خود را به سطح راهبردی ارتقا دهند، به طرح ایده‌های نظری و مفهومی پرداخته‌اند.

روسیه طی سال‌های اخیر، تمایل فراوانی به گسترش روابط غیررسمی به جای روابط رسمی داشته و مناسبات شخصی، نقش بارزی در ارتقای سطح همکاری‌ها با این کشور داشته است. روابط راهبردی با روسیه باید مبتنی بر انعطاف‌پذیری و همچنین عمل‌گرایی استوار شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها کشورهایی توانسته‌اند با فدراسیون روسیه وارد یک تعامل راهبردی موفق شوند که علاوه بر همکاری‌های نهادی، روابط دوجانبه و غیررسمی مثبتی را نیز پایه‌ریزی کرده‌اند. به‌طور مشخص باید تأکید کرد که در سیاست خارجی روسیه، نگارش موافقت‌نامه‌های دوجانبه به همکاری‌های بلندمدت و راهبردی نمی‌انجامد. رهبران روس، ایده منفعت عینی مشترک و ارتقای منزلت منطقه‌ای و جهانی خود را در همه توافقات مدنظر قرار می‌دهند.

بررسی نیازمندی‌ها و دغدغه‌های مطرح شده از سوی جامعه علمی این کشور نشان می‌دهد که در حاضر مقوله‌های اقتصادی، تجاری و مالی برای روسیه، نقش چشمگیری در اولویت‌های سیاست خارجی این کشور داشته و اساساً، روسیه طی سال‌های اخیر، بیشتر در پی بهبود وضعیت اقتصادی خویش با کمک کشورهای و نهادهای منطقه‌ای بوده است؛ بنابراین باید توجه داشت که تأکید بر همکاری‌های اقتصادی و اعلام آمادگی برای حرکت در مسیر مشترک توسعه اقتصادی با کشور روسیه، برای این کشور بسیار حائز اهمیت بوده و می‌تواند مقامات روسیه را به تعامل نزدیک‌تر با ایران، مشتاق سازد. مسکو طی سال‌های گذشته، تأکید فراوانی بر همکاری در بخش فناوری داشته که می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف در توسعه همکاری‌های بخش فناوری در جمهوری اسلامی ایران و کشور روسیه به شمار رود. جمهوری اسلامی ایران در زمینه توسعه روابط راهبردی با روسیه باید نسبت به ایده‌ها و انتظارات فکری و تحول‌ساز روسیه در عرصه سیاست خارجی، واکنش مثبت نشان دهد.

رهبران روسیه به‌طور جدی، به دنبال کشورهایی هستند که بتوانند ایده‌های سیاست خارجی خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از این رهگذر، سلطه فکری و اندیشه‌های غرب را شکست دهند. در پیگیری روابط راهبردی با روسیه باید، منزلت و

جایگاه روسیه به‌طور جدی مورد توجه قرار بگیرد. مقامات کرملین به دنبال استقرار یک نظم تمدنی جدید در سطح جهانی هستند و در این زمینه به کمک ایران نیازمندند. ایده «همکاری‌های تمدنی ایرانی و روسیه» به‌عنوان یک سیگنال جدی برای برقراری روابط راهبردی با فدراسیون روسیه است. مسکو نیازمند به معرفی خود به‌عنوان یک قدرت نرم بزرگ در عرصه جهانی است و تهران می‌تواند از ظرفیت‌های تمدنی بی‌نظیر خود در این زمینه استفاده کند.

جمهوری اسلامی ایران در تعامل با روسیه باید از ایده اهرم‌سازی از این کشور در مقابل آمریکا اجتناب ورزد. رهبران روسیه طی سال‌های اخیر، تمایل کمتری به ارائه تعهدات دفاعی به دیگر کشورها دارند. مسکو اگرچه نفوذ و گسترش نهادهای آمریکامحور مانند ناتو را به‌طور جدی زیر نظر داشته و نسبت به آن حساس است، اما هیچ تمایلی به تشکیل اتحادهای نظامی و دفاعی ضدآمریکایی در منطقه ندارند. روس‌ها معتقدند سازوکارهای آمریکایی، کارایی خود را از دست داده‌اند و تشکیل نهادهای تقابلی، می‌تواند رویکردهای آمریکاپسند در منطقه را تقویت کند.

به نظر می‌رسد عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نشان‌دهنده ادراک مثبت و سازنده رهبران روسیه از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای تحقق ایده‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تمدنی این کشور است که البته، نیازمند توسعه همکاری‌های میان وزارتخانه‌ها و البته بهبود ظرفیت‌های صادراتی، تجاری جمهوری اسلامی ایران است. رویکرد روسیه به روابط راهبردی، رویکردی مبتنی بر یک فرایند بلندمدت بوده و رهبران روسیه، روابط راهبردی را یک پروژه در سیاست خارجی تلقی نمی‌کنند. ماحصل چنین نگاهی در سیاست خارجی روسیه آن است که مسکو به پیشرفت تدریجی همکاری‌ها در بخش‌های مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فناوری و فرهنگی به‌مثابه گام‌های عملیاتی برای تحقق روابط راهبردی می‌نگرند. نمونه عینی و بارز این نوع رویکرد در سیاست خارجی را باید در شکل‌گیری روابط بلندمدت و جامع این کشور با چین مشاهده کرد که نمونه ایده‌آلی از یک رابطه راهبردی به شمار می‌رود. لذا عمل‌گرایی مبتنی بر منافع مشترک متقابل، پایبندی به اصول و عقاید مشترک در عرصه سیاست جهانی و منطقه‌ای و همچنین شناسایی روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ و اثرگذار در معماری نظام بین‌المللی، می‌تواند مسیر آینده همکاری‌های ایران و روسیه را بیش‌ازپیش روشن سازد.

در سال‌های اخیر، روابط روسیه و ایران دستخوش تغییرات قابل توجهی شده و به سطح جدیدی از همکاری‌های استراتژیک رفته است (النا ایساوا، ۲۰۲۳).^۱

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی، منابع طبیعی غنی، یکی از مهم‌ترین بازیگران اقتصادی خاورمیانه است. موقعیت جغرافیایی مناسب ایران، مزیت‌های اقتصادی، سیاسی و استراتژیک قابل توجهی را به آن می‌بخشد که باعث توسعه زیرساخت‌ها و تقویت نقش آن در منطقه می‌شود. بر اساس گزارش بی‌بی‌سی^۲ ایران تا پایان سال ۲۰۲۰، از نظر ذخایر اثبات‌شده نفت (۱۵۷/۸ میلیارد بشکه) در رتبه چهارم جهان و در ذخایر قطعی گاز (۳۲/۱ میلیارد مترمکعب) رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. با این حال، چالش‌هایی برای بخش نفت و گاز ایران مانند تحریم‌های انرژی و تحریم‌های سوئیت که بانک‌های ایرانی را از سیستم مالی جهانی، بی‌ثباتی در منطقه و رقابت با سایر کشورهای تولیدکننده قطع می‌کند، همچنان باقی است.

فدراسیون روسیه نیز تا پایان سال ۲۰۲۰، از نظر ذخایر اثبات‌شده نفت (۱۰۷/۸ میلیارد بشکه) در رتبه ششم جهان و در ذخایر قطعی گاز (۳۷/۴ میلیارد مترمکعب) رتبه اول را به خود اختصاص داده است. با این حال، روسیه نیز به دنبال بحران میان این کشور و اوکراین تحت تحریم‌های سنگین غرب قرار گرفت.

چشم‌انداز اقتصادی ایران و روسیه با وابستگی مشترک آن‌ها به صادرات انرژی و تجربه آن‌ها تحت تحریم‌های بین‌المللی غرب شکل گرفته است. همسویی رو به رشد بین دو کشور فرصتی کاملاً منحصربه‌فرد برای غلبه بر این چالش‌ها و گشودن راه‌های جدید برای رشد اقتصادی ارائه کرده است.

روابط ایران و روسیه در حوزه انرژی یکی از محورهای مهم همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور است. تحریم‌ها دسترسی هر دو کشور را به بازارهای غربی محدود کرده است، هر دو کشور به دنبال راه‌های جایگزین برای تقویت بخش انرژی خود هستند.

با توجه به ظرفیت‌های گسترده هر دو کشور در بخش‌های نفت، گاز و انرژی هسته‌ای، تدوین یک رابطه راهبردی در این حوزه می‌تواند منافع مشترک زیادی را برای هر دو طرف به همراه داشته باشد. ایران و روسیه پیش‌ازین نیز در زمینه‌های مختلف انرژی تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده‌اند که نشان‌دهنده تمایل دو کشور برای تقویت همکاری‌های انرژی محور است.

در دسامبر ۲۰۱۶، گازپروم تفاهم‌نامه‌ای را با شرکت ملی نفت ایران امضا کرد که

1. Elena Isaeva. (2023).

2. Energy Institute Statistical Review of World Energy (2024), EI Statistical Review of World Energy

بر اساس آن امکان مطالعه دو رشته میدان نفتی در ایران با نام‌های چشمه خوش میدان نفتی بزرگی در غرب ایران در استان ایلام و در مرز با عراق و میدان نفتی چنگول که در ۸۰ کیلومتری شمال غربی دهلران در استان ایلام و در نزدیکی مرز با کشور عراق قرار دارد، پیش‌بینی شده بود.

در سال ۲۰۲۲ دو کشور تفاهم‌نامه‌ای را به ارزش ۴۰ میلیارد دلار برای همکاری در حوزه انرژی امضا کردند. بر اساس این توافق، شرکت‌های روسی در توسعه میادین نفتی و گازی ایران سرمایه‌گذاری خواهند کرد. این توافق شامل پروژه‌هایی در میدان‌های نفتی و گازی مانند توسعه میادین گازی کیش و پارس شمالی، توسعه میدان پارس جنوبی، توسعه شش میدان جدید نفتی، افزایش سوآپ گاز و فرآورده‌های گازی، تکمیل پروژه‌های مختلف گاز طبیعی مایع شده (LNG)، احداث خطوط لوله صادرات گاز و همچنین سایر همکاری‌های علمی و فناوری و از مهم‌ترین نکات برجسته این تفاهم‌نامه است.

همچنین در پایان ژوئن ۲۰۲۴، گازپروم و شرکت ملی گاز ایران تفاهم‌نامه راهبردی در مورد عرضه گاز روسیه به ایران امضا کردند. طرفین همچنین گام‌های اولویت‌دار برای اجرای این تفاهم‌نامه و سایر زمینه‌های همکاری در بخش انرژی را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در ژانویه ۲۰۲۵ نیز توافق‌نامه جامع راهبردی میان ایران و روسیه با در نظر گرفتن نیاز به تقویت بیشتر همکاری‌ها به نفع صلح و امنیت در سطوح منطقه‌ای و جهانی، به امضا رسید. در ماده ۲۲ این توافق‌نامه به موضوع انرژی پرداخته شده است. بر این اساس، دو کشور همکاری خود را در حوزه نفت و گاز، بر اساس اصول برابری و سودمندی متقابل گسترش خواهند داد و اقداماتی را برای افزایش امنیت انرژی دو طرف از طریق استفاده بهینه از منابع سوخت و انرژی اتخاذ خواهند کرد. همچنین همکاری دوجانبه در حوزه انرژی را در زمینه‌های همکاری علمی و فنی، تبادل تجربیات و به‌کارگیری فناوری‌های روز و پیشرفته در استخراج، فرآوری و حمل‌ونقل نفت و گاز؛ مساعدت به شرکت‌ها و سازمان‌های ایرانی و روسی در بخش سوخت و انرژی جهت گسترش همکاری‌ها از جمله عرضه انرژی و عملیات سوآپ؛ تشویق سرمایه‌گذاری در چارچوب همکاری دوجانبه در پروژه‌های توسعه میادین نفتی و گازی در قلمرو طرف‌های متعاقد؛ تشویق پروژه‌های زیربنایی حائز اهمیت برای تأمین امنیت انرژی جهانی و منطقه‌ای؛ تأمین دسترسی بدون تبعیض به بازارهای بین‌المللی انرژی و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها؛ همکاری و اجرای یک سیاست هماهنگ در چارچوب مجامع

بین‌المللی انرژی مانند مجمع کشورهای صادرکننده گاز و اوپک پلاس را گسترش خواهند داد، علاوه بر این دو کشور سطح همکاری، تبادل نظر و تجربیات در زمینه منابع تجدیدپذیر انرژی را ارتقا خواهند داد.

بر اساس این توافقنامه روسیه تا ۲ میلیارد مترمکعب گاز خط لوله به ایران عرضه خواهد کرد و ممکن است حجم آن را تا ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال افزایش دهد. قرارداد عرضه گاز مورد مذاکره با ایران در راستای استراتژی گازپروم برای تغییر مسیر صادرات گاز به شرق، پس از دست دادن بیشتر بازارهای اروپا در بحبوحه جنگ اوکراین است. این قرارداد به دنبال یک یادداشت استراتژیک در مورد تأمین خط لوله خواهد بود که توسط گازپروم روسیه و شرکت ملی گاز ایران در ژوئن ۲۰۲۴ امضا شد.

النا ایسایوا (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «وضعیت فعلی و چشم‌انداز همکاری روسیه و ایران در بخش نفت و گاز»، به تحلیل وضعیت کنونی و چشم‌اندازهای همکاری بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز می‌پردازد. آنا میچالسکی (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مقاوم در برابر تغییر؟ اتحادیه اروپا به‌عنوان یک قدرت هنجاری و روابط مشکل‌دار آن به روسیه و چین دسترسی پیدا می‌کند»، به بررسی نقش اتحادیه اروپا (EU) به‌عنوان یک بازیگر سیاست خارجی و بررسی روابط آشفته آن با روسیه و چین می‌پردازد.

سید اصغر کیوان حسینی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی انرژی آمریکا ۲۰۲۳-۲۰۱۶» با استفاده از روش مقایسه‌ای دیپلماسی انرژی، دولت‌های مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا ابتدا دیپلماسی انرژی در قالب شاخص‌های: روابط بین‌المللی، سیاست انرژی، تجارت انرژی، امنیت انرژی و محیط‌زیست مطرح می‌شود. همچنین، برای هر یک از شاخص‌ها معرف‌هایی، به‌عنوان مؤلفه آن شاخص، در نظر گرفته شد تا مقایسه‌ای هدفمند انجام گیرد.

افشین زرگر (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳»، به بررسی و تجزیه و تحلیل مواضع روسیه در تحولات سوریه می‌پردازد.

روش‌شناسی

روابط راهبردی چیست؟ چه سطحی از همکاری‌ها و مناسبات میان دو کشور، به‌مثابه راهبردی تلقی می‌شود؟ بالطبع، بدون ارائه یک پاسخ متقن نمی‌توان، امکان‌سنجی و

متدولوژی شکل‌گیری روابط راهبردی میان ایران و روسیه را بررسی کرد؛ بنابراین در ابتدا، دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگران در بررسی مفهوم نظری و عملی روابط راهبردی، چندین مؤلفه را به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده و قوام‌بخش روابط راهبردی بر شمرده‌اند. در میان این اجزا و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده، برخی بیش از سایرین نشان‌دهنده شکل‌گیری روابط راهبردی است. به این معنا که وجود این مؤلفه‌ها و اجزاء میان دو کشور، نشان‌دهنده وجود سطح راهبردی روابط دو طرف است. به ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها شامل موارد ذیل می‌شود:

جدول ۱. الزامات تشکیل‌دهنده روابط راهبردی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی

ردیف	الزامات
۱	منافع مشترک و اهداف راهبردی همگرا
۲	پایبندی و تعهد متقابل به انتظارات مشترک
۳	پیوندهای نهادی رسمی در سطوح مختلف دولتی و غیردولتی
۴	دیدارهای پی‌درپی در سطح وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی
۵	تعامل بلندمدت همکاری - محور
۶	ارزش‌ها و هنجارهای مشترک
۷	رابطه اقتصادی قوی
۸	فهم عمیق و احترام و اعتماد متقابل
۹	منفعت و ریسک مشترک در همکاری متقابل (سود مشترک، مسئولیت مشترک)
۱۰	دیدگاه‌های و رویکردهای همسو در امور جهانی و منطقه‌ای
۱۱	محدوده جامع سیاستی در همکاری‌های راهبردی (گفتگوهای بخشی، چندبعدی)
۱۲	پیوندهای امنیتی نزدیک‌تر و عمیق‌بخشی به همکاری‌های بخش امنیتی - نظامی با تکیه بر تهدیدها و چالش‌های امنیتی مشترک
۱۳	توافق مکتوب با اهداف سیاستی کاملاً مشخص
۱۴	فرایند پویا برای ترسیم یک آینده مشترک
۱۵	فراهم شدن دسترسی به مزیت‌های مادی و غیرمادی که به‌طور دیگری قابل‌دستیابی نیست.
۱۶	جایگاه برتر نسبت به دیگر روابط دو یا چندجانبه
۱۷	اولویت در پیاده‌سازی اقدامات مشترک
۱۸	ماهیت مشارکت‌پذیر روابط، مانند رفتار برابر و عادلانه
۱۹	تعاملات غیررسمی (روابط اجتماعی شده فرانهادی)
۲۰	پیوندهای شخصی، تجربه‌های منحصر به فرد مشترک

Source: Tyushka, Czechowska, 2019: 20-21

شاخص‌های شکل‌گیری روابط راهبردی میان دو کشور نشان می‌دهد که میان صاحب‌نظران و اندیشه‌وزران در مورد اینکه چه مؤلفه‌ای به‌طور واقع نشان می‌دهد که میان دو کشور روابط راهبردی وجود یا خیر، اجماع نسبتاً فراگیری وجود دارد. در واقع عمده اندیشمندان معتقدند، وجود اهداف و منافع راهبردی همسو یا پایبندی و تعهد متقابل به انتظارات مشترک، از جمله مهم‌ترین اصول و ارکان وجود روابط راهبردی میان دو کشور در نظام بین‌الملل است. هرچه میزان اجماع پیرامون یک مؤلفه میان اندیشمندان بیشتر باشد، به‌طور طبیعی میزان اهمیت و اثرگذاری آن نیز در پی‌ریزی یک رابطه راهبردی بیشتر خواهد بود. این مؤلفه‌ها بدان معنا است که زمانی می‌توان روابط دو کشور را به‌طور ایده‌آلی، راهبردی دانست که در سطح منافع و اهداف راهبردی، همگرایی شکل گرفته شده باشد. این مهم البته نیازمند زمان و بسترسازی است که به‌ندرت نیز می‌توان نمونه‌ای عینی از آن را در روابط میان کشورها یافت.

مسئله مهم دیگری که باید در تبیین مفهوم روابط راهبردی بدان اشاره کرد، نوع و ماهیت این روابط است. بررسی روابط راهبردی میان دولت‌ها نشان می‌دهد که روابط راهبردی میان کشورها به چند نوع تقسیم می‌شود. مطالعه روابط راهبردی کشورها در عرصه بین‌المللی نشان می‌دهد کشورها با انگیزه‌ها و نیات متفاوتی وارد تعامل راهبردی با سایر کنشگران می‌شوند. به‌طور مثال، برخلاف دولت چین که معمولاً روابط راهبردی بخش قابل‌توجه و مهمی از جعبه‌ابزار سیاست خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد، رویکرد کشورهایی همچون روسیه یا برزیل، روابط راهبردی را به‌مثابه چارچوبی برای تقویت و تحکیم روابط با متحدان راهبردی حال حاضر خویش در نظر می‌گیرند. کشوری همچون هند، روابط راهبردی را به‌مثابه یک راهبرد حساب شده برای تقویت نقش خود در نظم چندقطبی جهان در نظر می‌گیرد (Michalski, 2019: 8).^۱

در واقع این مهم باید به‌طور دقیق از سوی کارشناسان و راهبردپردازان سیاست خارجی مورد بررسی قرار بگیرد که دولت‌های طرف مقابل با چه هدف و چه رویکردی وارد تعامل راهبردی می‌شوند. به‌طور مشخص در مورد جمهوری اسلامی ایران که با دو قدرت بزرگ بین‌المللی یعنی چین و روسیه در حال رایزنی برای برقراری روابط راهبردی است، این مهم دارای اهمیت فراوانی است. نوع رویکردی که چینی‌ها در پی‌ریزی روابط راهبردی با جمهوری اسلامی ایران دارند، با دیدگاه طرف روس در این زمینه کاملاً متفاوت است. برای روسیه، روابط راهبردی صرفاً با برخی از متحدان نزدیک

1. Michalski, Anna. (2019). Resistant to Change? The EU as a Normative Power and Its Troubled Relations with Russia and China.

این کشور معنا و مفهوم پیدا می‌کند و اساساً روسیه به دنبال تکرار روابط راهبردی در عرصه سیاست خارجی خویش نیست.

این مقاله مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی و بر اساس روش مطالعه موردی به بررسی عمق و آینده روابط میان ایران و روسیه می‌پردازد.

یافته‌ها

بحث بر سر ماهیت روابط دو کشور و این‌که آیا این روابط راهبردی یا تاکتیکی است، همواره دغدغه و پرسش کارشناسان دو کشور بوده است. در سال‌های گذشته، هم در تهران و هم در مسکو عده‌ای طرفدار برقراری مشارکت راهبردی میان دو کشور بوده‌اند. با این حال هرگز این وضعیت شکل نگرفته است. روس‌ها هیچ‌وقت، تعهدی برای ایجاد یک رابطه راهبردی به ایران نداده‌اند. چنان‌که در سال‌های اخیر، پوتین از ادبیات مشارکت راهبردی در قبال ایران بسیار فاصله گرفته است. از سوی دیگر در ایران نیز پس از رفع تحریم‌ها و وسعت یافتن اختیار عمل تهران در سطح جهانی، این کشور تمایلی به برقراری روابط هرچه نزدیک‌تر با روسیه ندارد (Parker, 2016: 1).^۱ با این حال آنچه در حال حاضر سبب شده تا دو کشور به یکدیگر نزدیک شوند، منافع مشترک در بستر متلاطم امنیتی و سیاسی منطقه است.

از یک‌سو جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از قدرت تأثیرگذاری روسیه در سطح جهانی علیه آمریکا استفاده کند، از سوی دیگر نیز روسیه می‌تواند در معادلات خاورمیانه بر قدرت تهران در مقابل متحدان آمریکا حساب ویژه‌ای باز کند. این‌که ایران تبدیل به رهبر منطقه‌ای مهم برای مسکو شده است، می‌تواند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو یکی از اهداف اصلی روابط روسیه با تهران، مقابله با تلاش‌های ضد روسی رسانه‌های عربی که به‌ویژه از سوی قطر و عربستان سعودی حمایت می‌شود است (Kozhanov, 2015: 11).^۲ برای مسکو آنچه سبب شده، روابط دوجانبه با تهران مهم باشد، ناشی از این مسئله است که دیپلماسی روسی در قبال تهران سرشار از تمایلی است که این کشور برای استفاده ابزاری از روابط خود با تهران در راستای تأثیر گذاشتن بر زمین بازی ژئوپلیتیک دارد. در این میان سه مورد از منافع روسی نقش کلیدی در رویکرد مسکو به ایران دارند که عبارت‌اند از:

1. Parker, John W. (2016). Russia, Iran: Strategic Partners or Competitors.

2. Kozhanov, Nikolay. (2015). Understanding the Revitalization of Russian Iranian Relations, Carnegie Moscow Center

- اطمینان از حفظ گفت‌وگوی مثبت با غرب (به‌ویژه آمریکا)
- تضمین سلطه روسیه بر منطقه کشورهای مستقل هم‌سود
- تضمین ثبات در پیرامون کشورهای مستقل هم‌سود و روسیه (شامل جلوگیری از اشاعه هسته‌ای) (Kozhanov, 2015: 6)؛ در واقع ایران از این حیث که می‌تواند با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس مقابله کند، یک شریک منطقه‌ای برای مسکو است (Belobrov, Demidenko, 2014: 5).¹

در طول دوره اول زمامداری پوتین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، روسیه، با سوریه به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه رفتار کرد. درحالی‌که در دوران محمد خاتمی، ایران روابط هرچه گسترده‌تری را با غرب دنبال می‌کرد، مسکو می‌کوشید سوریه را از ایران جدا کند تا مانع از تبدیل شدن ایران به یک تهدید علیه این کشور شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسید بشار اسد هم تا زمانی‌که به روسیه در سال ۲۰۱۱ احتیاج پیدا نکرد، تمایل چندانی برای پیگیری روابط گسترده با مسکو نداشت. بشار اسد درحالی‌که در سال ۲۰۰۰ با مرگ پدر، رئیس‌جمهور سوریه شد، ابتدا به فرانسه و بریتانیا و کشورهای دیگر رفت و تنها پس از سه سال که از ریاست جمهوری او می‌گذشت، از مسکو دیدار کرد (Parker, 2013: 21-22).

با شروع بحران سوریه، مسکو نقش بسیار تأثیرگذاری در معادلات این بحران ایفا کرده است. درحالی‌که سیاست روسیه به هر دلیلی در قبال بحران لیبی، مصر و... بیشتر مبتنی بر مشاهده و انتظار بود، در بحران سوریه، مسکو سیاست کاملاً متفاوتی را به نمایش گذاشت. روسیه، سوریه را یک عنصر راهبردی برای جایگاه و منافع خود در خاورمیانه ارزیابی کرده و حاضر به مسامحه در رابطه با آن نشد. از این‌رو، مددوف در سال ۲۰۱۱ خواستار برخی اصلاحات از سوی اسد شد. همچنین مسکو نسبت به خطرات جدید جبهه‌بندی در سوریه و دیگر کشورهای عربی، اعلام کرد که نسبت به مداخله در بحران سوریه ساکت نخواهند نشست. روسیه با تجربه‌ای که در مورد لیبی داشت این بار از تصویب هرگونه قطعنامه در شورای امنیت که زمینه‌ساز مداخله خارجی شود، جلوگیری کرد و در همین راستا مانع از تصویب دو پیش‌نویس فرانسوی - انگلیسی که کاربرد زور توسط حکومت سوریه را محکوم می‌کرد، گردید (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۵).

علی‌رغم اینکه بسیاری بر این باورند که مسکو در منازعات منطقه‌ای به‌ویژه در

1. Demidenko S.V (2014), Iran's Regional Policy and Russian Interests.

رابطه با مسئله سوریه، به نفع ايران مداخله می‌کند، اما باید گفت که روسیه در این زمینه یک بازیگر بی‌طرف است. در سطح دوجانبه، ايران یک همتای ضروری برای روسیه در جنگ سوریه و معادلات پس از جنگ است (Suchkov, 2016: 2).^۱ مسکو در سال‌های اخیر به دلیل مقابله با گسترش افراطی‌گری سنی از سوی ايران مورد تمجید قرار گرفته است. با این حال مسکو هرگز ایرانی را که مانع گسترش روابط روسیه با سایر کشورهای منطقه و به خصوص عربستان سعودی و اسرائیل شود را تحمل نخواهد کرد (Parker, 2009).

روسیه و ايران اگرچه در زمینه عملیات نظامی در سوریه، با یکدیگر همکاری و هماهنگی دارند اما در نهایت ممکن است نتایج و سرنوشت‌های متضادی را برای اسد در نظر داشته باشند. به عبارت دیگر می‌توان مدعی شد که همگرایی میان ايران و روسیه در بعد نظامی در سوریه، لزوماً به عرصه سیاسی سرایت نخواهد کرد و احتمال واگرایی سیاسی میان ايران و روسیه در بحران سوریه وجود خواهد داشت (Parker, 2016: 3).

در واقع باید خاطرنشان ساخت که ورود فعال روسیه به معادلات پیچیده منطقه خاورمیانه از تحول صفتبندی و آرایش بازیگران دولتی اثرگذار بر معادلات این منطقه حکایت دارد. مسکو در صورت تداوم این روند و جاهت «طرف سوم» را در معادلات منطقه پیدا خواهد کرد. اگر تاکنون بازیگران دولتی اثرگذار بر منطقه در دو طیف جبهه سازش و جبهه مقاومت تعریف می‌شدند، حضور روسیه می‌تواند به معنای ورود بازیگری جدید در معادلات منطقه باشد. به‌ویژه چنانچه ملاحظات روسیه در سوریه تحقق یابد این امر می‌تواند محرکی برای توسعه نقش‌آفرینی مسکو در سایر معادلات منطقه باشد. بالا بودن پتانسیل بی‌ثباتی در خاورمیانه و امکان بروز بحران‌های بیشتر در منطقه می‌تواند مسیر نقش‌آفرینی مسکو در ترتیبات منطقه و دخالت در فرآیند مدیریت مسائل آن را هموارتر کند.

این رفتار روسیه در موضوع هسته‌ای ايران نیز به‌خوبی خود را نشان داده است. برنامه هسته‌ای ايران، میدان بزرگی برای توازن قوا در خاورمیانه بوده است. در این رابطه باید گفت در ابتدای قرن بیست و یکم در بعد جهانی نوعی توازن هسته‌ای بین قدرت‌های بزرگ وجود دارد که مانع بروز جنگ در نظام بین‌الملل شده است. غرب که شامل آمریکا و اروپا می‌شود، چین و روسیه سه قطب مهم در این رابطه هستند؛ اما با

1. Suchkov, M. (2016). Contemporary Russia-Saudi Relations: Building a Bridge of Cooperation over the Abyss of Discrepancies. *Iran & the Caucasus*.

حضور نیروهای جدید هسته‌ای مانند ایران این توازن به هم می‌خورد. برنامه هسته‌ای ایران سبب شده تا این قدرت‌ها به‌نوعی در تقابل یکدیگر قرار بگیرد. چین و روسیه در برنامه هسته‌ای ایران به این کشور کمک کردند؛ اما به علت فشارها و مخالفت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، چین از ادامه همکاری برای ساخت تأسیسات یو. سی. اف اصفهان به مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار منصرف شد (مروتی، یزدانی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۵).

اما روس‌ها از همان ابتدا نقش بارزی در فرایند دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای ایفا کرده‌اند. در سایه خصومت‌های دیرینه ایران با غرب و محدودیت ایران در جلب همکاری‌های این کشور برای توسعه صنعت هسته‌ای این کشور، روسیه از شانس بزرگی در این زمینه برخوردار شده است. با این حال رفتار روسیه در انجام پروژه‌های هسته‌ای از جمله نیروگاه اتمی بوشهر نشان‌دهنده رفتار اکراه‌آمیز همراه با هراس از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بوده است. این نوع رفتار روس‌ها تنها به همکاری‌های فنی محدود نشد، بلکه علی‌رغم منافع اقتصادی این کشور در ایران، مسکو به قطعنامه‌های ضدایرانی شورای امنیت نیز رأی مثبت داد تا نشان دهد اگرچه ایران روسیه را یک همکار استراتژیک تلقی می‌کند، اما برای روسیه شرایط ایران تنها گزینه‌ای برای چانه‌زنی بیشتر در روابط خود با غرب است.

این در حالی است که روسیه حاضر به از دست دادن جایگاه و نقش پررنگ خود در فرایند برنامه هسته‌ای ایران نیست. روس‌ها از انجماد روابط ایران با غرب منافع فراوانی برده‌اند. تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه در عرصه نفت و گاز به تقویت موضع انحصاری روسیه در برخی از بازارها کمک کرده است. انزوای سیاسی ایران، نقش این کشور را در منطقه خزر و توسعه روابط با کشورهای این منطقه تحت‌الشعاع قرار داده و همین امر سبب شده تا مسکو با فراغ بال بیشتری نسبت به توسعه نفوذ و قدرت خویش در این منطقه و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی دریای خزر اقدام کند.

در واقع روسیه در چارچوب ملاحظات امنیتی خویش، مسئله هسته‌ای ایران را با برخی از مهم‌ترین مسائل امنیتی پیرامونی خود از جمله بحث گسترش ناتو به شرق، طرح سپر دفاع موشکی آمریکا و ناتو در شرق اروپا، امنیت انرژی و اقتصاد خویش و همچنین موضوعات مربوط به امنیت منطقه گره زده است (سلطانی نژاد، شاپوری، ۱۳۹۲: ۱۷۹). بدین معنا که برنامه هسته‌ای ایران به تداوم چانه‌زنی روسیه با آمریکا و غرب برای عدول از سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این کشورها در قبال روسیه کمک کرده است. روسیه توانسته با تهدید به افزایش همکاری‌ها با ایران و کمک به

توسعه صنعت هسته‌ای این کشور، غرب را نسبت به اتخاذ سیاست‌های خصمانه خویش در قبال روسیه، مردد کند.

با روی کار آمدن دولت یازدهم و تلاش برای حل و فصل هرچه سریع‌تر پرونده هسته‌ای و رویکرد این دولت در تعامل سازنده با جهان که هم‌زمان با تیره شدن روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا شده بود، روسیه نسبت به افزایش مناسبات با ایران اقدام کرده است. همواره اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه از طریق ایران، ابزار نگرانی داشته و آن را مخالف منافع خود تلقی می‌کنند. در واقع اتحادیه اروپا خطر اصلی را نه از جانب ایران بلکه از طرف روسیه و چین تلقی می‌کند و از بیم از دست رفتن منافع خویش حاضر به همکاری مسالمت‌آمیز با برنامه هسته‌ای ایران شده است (مروتی، یزدانی، ۱۳۹۳: ۵۲). حضور جریان میانه‌رو در ایران که با تلاش‌ها برای بازسازی روابط ایران - آمریکا همراه شده، به تقویت موضع آمریکا در منطقه کمک می‌کند (Belobrov, Demidenko, 2014: 49)^۱. برای روسیه پوتین که سیاست موازنه قدرت در برابر آمریکا را دنبال می‌کند، می‌تواند به از دست رفتن یکی از متحدان خویش در منطقه بیانجامد.

توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ برای روسیه دارای معانی پرشماری است. روس‌ها چندان مایل به ارتقا و نزدیکی روابط ایران و غرب نیستند. تاکنون این کشور توانسته در نتیجه اختلاف و سردی روابط میان دو طرف، امتیازهای فراوانی کسب کند. می‌توان گفت بهبود روابط غرب و ایران به معنای کاهش نفوذ و ارزش روسیه برای تهران خواهد بود. ایران که تاکنون بدعهدی‌ها و ناملایمات فراوانی از روسیه دیده است، بالطبع با ارتقای روابط خود با کشورهای اتحادیه اروپا و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، از موضع انحصاری روسیه خارج خواهد شد. با این حال نمی‌توان گفت این توافق هسته‌ای برای روس‌ها، به‌طور کلی بار منفی داشته است. با رفع تحریم‌ها، ایران اکنون می‌تواند با فراغ بال بیشتری به خرید تسلیحات بپردازد و از متحدان خویش در منطقه حمایت کند (Schwartz, 2015: 4).

آنچه در حال حاضر به‌عنوان مسئله‌ای اصلی باید مورد توجه قرار داشته باشد، آینده تعامل و روابط دو کشور در فضای پسابرجام خواهد بود. فارغ از این که سناریوهای مختلفی پیش روی آینده توافق هسته‌ای وجود دارد، مؤلفه‌های متعددی در این زمینه

1. Belobrov, Y. Y. (2014). Modern Russian – Iranian Relations: Challenges and Opportunities. In Russian International Affairs Council (RIAC). Working Paper. No. 14. 62 p.

نقش آفرین هستند. تغییر یا تداوم رویکرد فعلی دولت در هر دو کشور از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده آینده روابط مسکو - تهران خواهد بود. به نظر می‌رسد هر دو کشور باید بدین درک برسند که حضور یا عدم حضور غرب در روابط دو کشور نباید منجر به تغییر سیاست‌های متقابل شود. ایران و روسیه می‌توانند با تعریف منافع و تهدیدات مشترک در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون، به تقویت روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی بیندیشند.

بنابراین باید گفت سیاست خارجی روسیه در قبال ایران بیشتر دارای یک رویکرد ابزارگرایانه و موردی است و مسکو بیشتر تلاش می‌کند تا با ارتباط با جمهوری اسلامی ایران اولاً در برابر آمریکا به کارت این کشور بازی کند و در ثانی مسیر نفوذ خود در جهان اسلامی را بگشاید. همان‌طور که در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه نیز مورد بحث واقع شد روسیه اهمیت ویژه‌ای به ارتباط با جهان اسلام قائل است. کنش این کشور در سوریه به‌منظور مقابله با افراط‌گرایی نیز علاوه بر این که دارای انگیزه‌های امنیتی است، دارای پشتوانه‌های قوی گفتمانی و فرهنگی در سیاست خارجی روسیه است. با توجه به این پویای سیاست خارجی روسیه در ارتباط با نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران باید گفت روسیه منافع شناخته‌شده‌ای در ایران دارد که از آن جمله می‌توان به فروش تسلیحات نظامی، فروش فناوری هسته‌ای و قراردادهای پرسود نفت و گاز برای شرکت‌های روسی اشاره کرد. به این دلیل روسیه همواره تلاش کرده تا ایران را دور از آمریکا و متحدانش قرار دهد و از انتقال گاز ایران به غرب جلوگیری کند (Varol, 2013: 269). در این راستا مسکو طرح‌هایی را برای هماهنگ کردن تلاش‌ها با تهران در بازار انرژی انجام داده است تا مطمئن شود که اروپایی‌ها نتوانند با استفاده از ایران، وابستگی خود را به گاز روسیه کاهش دهند (Kozhanov, 2015: 11)؛^۱ به عبارت دیگر روسیه با تاکتیک انحصارگرایی که فصل گذشته مورد مطالعه قرار گرفت، تلاش می‌کند تا مانع از فعال شدن ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی در بازار اروپا شود.

این رویکرد به‌وضوح در چالش دیرینه رژیم حقوقی دریای خزر قابل مشاهده است. انعقاد قراردادهای دوجانبه با کشورهای این منطقه که عملاً به نادیده گرفتن ملاحظات ایران در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر انجامیده، از یک‌سو سبب شده تا کشورهای پیرامون خزر نتوانند مستقل از این کشور در عرصه انتقال انرژی فعالیت کنند

1. Kozhanov, Nikolay. (2015). Understanding the Revitalization of Russian Iranian Relations, Carnegie Moscow Center

و از سوی دیگر کاملاً همسو با منافع و دیدگاه‌های واشنگتن، مانع از فعال شدن ظرفیت‌های اقتصاد انرژی ایران در این منطقه می‌شود (بابایی، ۱۳۸۳: ۱۱).

همچنین تأکید روسیه بر نظامی نگاه داشتن دریاچه خزر و حفظ سلطه نظامی خود بر محیط امنیتی منطقه خزر از طریق تقویت حضور ناوگان دریایی، سبب شده تا دیدگاه ایران مبنی بر اتخاذ یک رویکرد اقتصادی به آن محقق نشود. در صورت فعال شدن ظرفیت‌های اقتصاد انرژی ایران در منطقه خزر، امکان ترانزیت ذخایر انرژی این دریا به وسیله ایران به اروپا بسیار قوت خواهد گرفت که این امر در تقابل با منافع روسیه در انحصار بازار انرژی اروپا و حفظ سلطه خود بر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. همچنین بخشی از رویکرد فعال روسیه در قبال بحران سوریه نیز ناشی از منافع اقتصادی ناشی از فعالیت‌های شرکت‌های نفت و گاز روسیه در سوریه بوده است (Bagdonas, 2012: 63). این پیوندهای اقتصادی به پیشبرد راهبرد روسیه برای موازنه قوای نرم در برابر آمریکا به ویژه در خاورمیانه کمک کرده است. اصل راهبردی روسیه در خاورمیانه «موازنه نفوذ» در برابر آمریکا است که با حضور فعال در بحران‌ها و تحولات این منطقه به دنبال تجدید نفوذ واشنگتن است (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

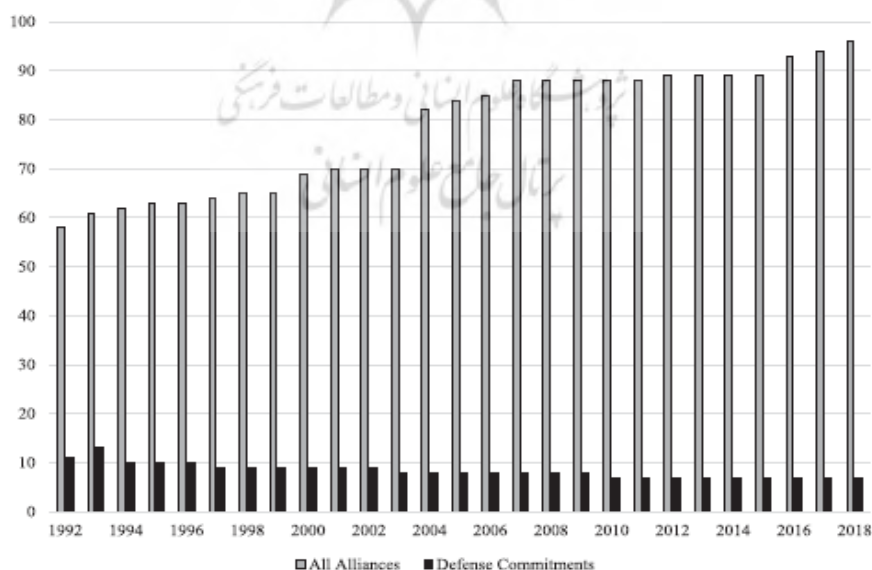
مسکو و تهران از یک سو دارای اختلافات جدی و از سوی دیگر دارای اتحادهای عمل‌گرایانه‌ای هستند. در صورت رفع تحریم‌های نفتی و فعالیت هرچه بیشتر ایران در بازار انرژی، می‌توان گفت روابط دو کشور در سال ۲۰۱۶ بیش از دوستی، آمیخته با دشمنی و مخالفت خواهد بود (Suchkov, 2016: 2). با رفع تحریم‌ها، ممکن است رقابت میان ایران و روسیه در بازار انرژی تشدید شود. درحالی‌که حدس و گمان‌های فراوانی در رابطه با صادرات گاز ایران به اروپا و کاستن از وابستگی قاره سبز به گاز روسیه است باین‌حال می‌توان گفت رقابت میان ایران و روسیه در نهایت به نفع غرب تمام خواهد شد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سبب شد تا روس‌ها، سیاست خارجی چند برداری را در محیط منطقه‌ای و بین‌الملل دنبال کنند. تا پیش‌ازاین، روسیه بیشتر بر توان نیروی زمینی و دریایی خویش در عرصه سیاست خارجی تکیه کرده بود اما با روی کار آمدن پرمیکاف، رفتار مسکو به سمت الگوهای چندجانبه‌گرایی در عرصه سیاست خارجی سوق یافت. مسکو در این دوره به‌منظور عبور از وابستگی در عرصه سیاست خارجی، پی‌ریزی روابط راهبردی با چند کشور را در دستور کار خود قرار داد که از آن جمله می‌توان به جمهوری خلق چین اشاره کرد.

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که تفکر سیاست خارجی روسیه در زمینه روابط راهبردی به‌طور مشخصی دارای اصول و ارکان مشخصی است. این مهم بدان معنا است که مسکو در تنظیم روابط راهبردی خود با سایر کشورها، برنامه و رویکرد مشخصی را دنبال می‌کند. هر کشور در سیاست خارجی روسیه دارای سطحی از اهمیت است. به‌طور کلی می‌توان چهار محور کلی را در شکل‌گیری روابط راهبردی در سیاست خارجی روسیه مورد شناسایی قرار داد:

یکم: روسیه در سال‌های اخیر، بیش‌ازپیش روابط غیررسمی را بر اتحادهای رسمی ترجیح داده است. آمارها از توافقات صورت گرفته در سیاست خارجی این کشور نشان می‌دهد که مسکو علی‌رغم باورهای مرسوم، تأکید کمتری بر تعهدات نظامی و دفاعی داشته و روابط رسمی و شبکه‌ای در سیاست خارجی این کشور رونق فراوانی طی سال‌های اخیر یافته است. این مهم ناشی از درک جدیدی است که رهبران روسیه نسبت به تحولات نظام بین‌المللی یافته‌اند و معتقدند، برقراری روابط غیررسمی و چندبعدی در سیاست خارجی، نفوذ بیشتری برای این کشور به همراه می‌آورد (Locoman, Papa, 2021: 10). همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، نسبت پیمان‌های غیررسمی در سال‌های اخیر چند برابر روابط رسمی این کشور بوده است.

نمودار ۱. نسبت پیمان‌های دفاعی و سایر اتحادها در سیاست خارجی روسیه



Source: Locoman, Papa, 2021

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روسیه طی سال‌های گذشته، حرکت به سمت روابط غیررسمی و منعطف را به‌طور جدی در دستور کار سیاست خارجی خویش قرار داده و حتی در روابط امنیتی خود با دیگر کشورها نیز، لزوماً بر تعهدات دفاعی تأکید نمی‌کند. این مهم بدان معنا است که در پی‌ریزی روابط راهبردی با روسیه نیز باید به‌گونه‌ای اقدام کرد که اصل انعطاف در روابط و همچنین عمل‌گرایی به‌دقت رعایت شود. روس‌ها، حتی در روابط نزدیک و حسنه با دیگر کشورها، اتحادها را طوری تنظیم می‌کنند که همواره فضا برای کنش‌های انعطاف‌پذیر وجود داشته باشد. در ادبیات علمی، اصطلاحاً از این شکل از روابط به «اتحادهای انعطاف‌پذیر» یاد می‌کنند (Lukyanov, 2018:24).

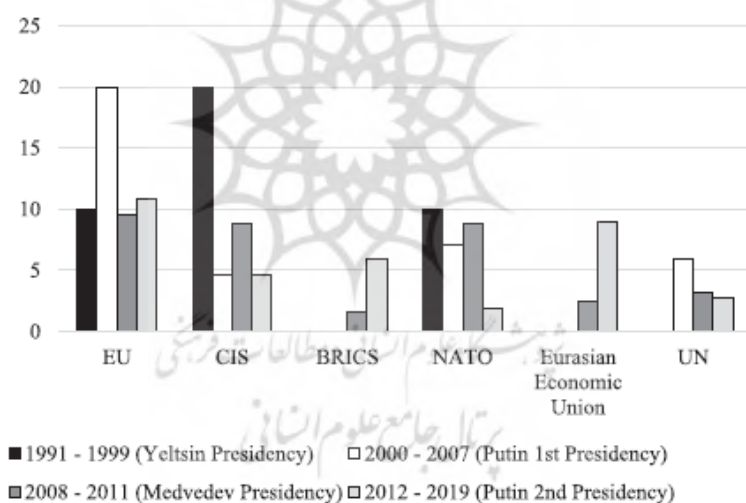
رفتارشناسی راهبردی روسیه نشان می‌دهد آنچه برای مسکو در زمینه برقراری روابط راهبردی در سال‌های اخیر، اهمیت یافته، انعطاف‌پذیری برنامه‌ها و سیاست‌ها است. در تعامل راهبردی با مسکو باید به‌گونه‌ای رفتار کرد که طرف مقابل، دست خود را در انتخاب گزینه‌ها و تعهدات باز دیده و از تنظیم توافقنامه‌هایی که رفتار طرف مقابل را دچار محدودیت می‌کند، خودداری کند. تنظیم یک اتحاد انعطاف‌پذیر با مسکو به این معنا است که باید به‌طور هم‌زمان در چندین بخش و حیطة، برای همکاری با روسیه، فضا تعریف کرد. مسکو معمولاً به دنبال شکلی از روابط راهبردی است که مانع از توسعه همکاری‌های این کشور با دیگر دولت‌ها و در سایر بخش‌ها نشود.

دیدگاه‌های کارشناسی پیرامون سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد که این کشور در پی ارتقای مؤلفه جذابیت و کشش خویش در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است (Bezrukov, 2013). این مهم در راستای تلاش این کشور برای ارتقای نقش خویش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است و لذا با تلاش برای جذب شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌نوعی سعی در بهبود همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خویش دارد. توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند یکی از اهرم‌های مؤثر برای ارتقای نقش منطقه‌ای و بهبود قدرت نرم مسکو در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باشد؛ اما این مهم زمانی به‌طور مؤثر تحقق می‌یابد که جمهوری اسلامی ایران بتواند نیازمندی‌های راهبردی روسیه در بخش‌های مختلف را شناسایی و با استفاده از ظرفیت‌های خود، رهبران روسیه را وادار به پذیرش نقش برتر ایران در سیاست منطقه‌ای این کشور به‌ویژه در منطقه غرب آسیا کند.

دوم: یکی از دیگر شاخص‌های رفتاری روسیه در تنظیم روابط راهبردی، تمایل به تشکیل نهادهای سازمان‌های منطقه‌ای است؛ به عبارت دیگر، مسکو ترجیح می‌دهد تا

روابط راهبردی خود را در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کند. آنچه در این زمینه برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حائز اهمیت باشد، رشد قابل توجه اهمیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اتحادیه اروپا در سیاست خارجی روسیه است. این مهم نشان می‌دهد که مکانیسم‌های داخلی و تصمیم‌سازی در سیاست خارجی روسیه، تمرکز خود را بر توسعه و تقویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار داده و سیاستمداران روس، توسعه این سازمان را پیش‌ازپیش برای تقویت مناسبات منطقه‌ای و همچنین بسط نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود کارساز می‌دانند (Kondrat'eva, 2018, : 16). در نمودار ۲، توجه و برجستگی سازمان‌های منطقه‌ای در سیاست خارجی روسیه در سال‌های اخیر نمایش داده شده است.

نمودار ۲. سازمان‌هایی که مسئله اصلی ادبیات علمی روسیه طی سال‌های اخیر بوده‌اند.



Source: Locoman, Papa, 2021

با توجه به مأموریت و کارکرد این اتحادیه اقتصادی که در واقع مصداق تلاش روسیه برای موازنه‌سازی در برابر اتحادیه اروپا و غرب است، می‌توان به این نکته پی برد که مسکو در سال‌های اخیر، می‌کوشد تا راهبرد توسعه اقتصادی خود را پیش‌ازپیش از مسیر سازمان‌های منطقه‌ای دنبال کند. در واقع عضویت جمهوری اسلامی ایران در این اتحادیه نیز نشان می‌دهد که مسکو می‌کوشد تا همه ظرفیت‌های منطقه‌ای را برای رشد اقتصاد منطقه‌ای به رهبری خود انجام دهد.

در مقابل، ناتو که طی سال‌های پیش از اهمیت بسیاری برای روسیه برخوردار بوده و به‌عنوان یک مسئله جدی در سیاست خارجی روسیه مورد توجه اندیشمندان و سیاستمداران این کشور قرار داشته، طی سال‌های اخیر، اهمیت خود را به‌شدت از دست داده است. البته این مهم بدان معنا نیست که گسترش ناتو و توسعه مناسبات امنیتی آمریکا در منطقه برای روسیه حائز اهمیت نیست، بلکه نمودار ۲ نشان می‌دهد که روسیه در سال‌های اخیر، تمرکز هرچه بیشتری را بر توسعه سازوکارهای نهادهای اقتصادی و تجاری قرار داده است.

تحلیلگران سیاست خارجی روسیه معتقدند، روسیه در هر سازمان و اتحادیه منطقه‌ای، رفتار کاملاً سلطه‌طلبانه‌ای را از خود نشان داده است. این مهم بدان معنا است که مسکو چه در سازمان‌های امنیتی همچون سازمان امنیت دسته‌جمعی، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از بروز رفتارهای استقلال‌طلبانه و گریز از مرکز استقبال نمی‌کند. این مهم یکی از دلایل عمده‌ای است که سبب شده تا روسیه نسبت به عضویت برخی کشورها در سازمان‌های منطقه‌ای تحت حمایت خویش، استقبال نکرده و یا در برابر آن مانع‌تراشی کند.

نکته دیگری که در زمینه نقش نهادهای منطقه‌ای در رفتارشناسی راهبردی سیاستمداران روس، باید بدان توجه داشت، تمایل به توسعه روابط با کشورهای هم‌جوار و پیرامونی در قالب این اتحادیه‌ها است. روابط مبتنی بر اتحادیه، یکی از مدل‌های مشخص توسعه روابط منطقه‌ای در سیاست خارجی روسیه است. وجه بارز این نوع از روابط راهبردی، تمرکز بر معادلات ژئوپلیتیک و همچنین وجود یک باور مشترک در مهار نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب از جمله ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا است.

این در حالی است که باید در همکاری‌های درون‌سازمانی با روسیه بر اصل روابط دوجانبه اهمیت فراوانی قائل شد. در واقع اگرچه روسیه می‌کوشد تا با ایجاد همکاری‌های سازمانی، به‌نوعی یک پروژه ژئوپلیتیک را در عرصه اقتصادی و سیاسی یا امنیتی دنبال کند، اما این کشور هم‌زمان روابط دوجانبه خود را با کشورها دنبال می‌کند. این مهم بدان معنا است که به‌منظور توسعه و ارتقای منافع در سازمان‌های منطقه‌ای مشترک با روسیه، باید از مسیرهای موازی و هم‌زمان، روابط دوجانبه را تقویت کرد. در این زمینه توسعه روابط شخصی و غیررسمی به‌ویژه از سوی مقامات دو کشور و یا وزرا و تجار به بهترین شکل می‌تواند روس‌ها را در بهبود روابط راهبردی، ترغیب کند.

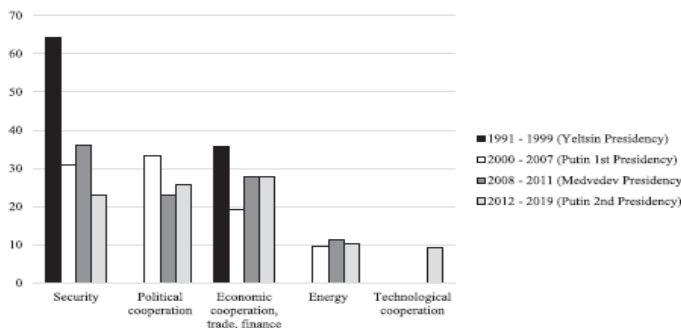
سوم: مسکو در سال‌های اخیر، نسبت به گسترش اتحادهای تهاجمی بیش‌ازپیش

حساس شده است (Locoman, Papa, 2021: 10). با این حال، روسیه تمایلی به تشکیل ائتلاف‌های رسمی بر ضد ناتو در منطقه ندارد. روابط ناتو و روسیه طی سال‌های گذشته، با فراز و فرود فراوانی روبه‌رو و حتی در سال‌های گذشته، دو طرف به سمت گفتگو و تعامل حرکت می‌کنند؛ اما پس از تصرف کریمه، روابط ناتو با روسیه به سمت تیرگی حرکت کرده و در حال حاضر نیز روابط با استقرار سامانه‌های دفاعی ناتو همراه، بیش‌ازپیش دچار تنش شده است.

با این همه مقامات روس، تشکیل هرگونه ائتلاف نظامی علیه ناتو با کشورهایی همچون چین را تکذیب کرده و تمایلی به برقراری روابط رسمی نظامی علیه آمریکا و متحدان این کشور در ناتو ندارند. این مهم را می‌توان به‌طور جدی ناشی از درک جدید سیاستمداران روس از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور در محیط جهانی و منطقه‌ای دانست. ادبیات علمی و درک جدید رهبران سیاست خارجی روسیه به این نقطه رسیده که ناتو از توانایی لازم برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای برخوردار نیست و به معنای دیگر، کارکرد گذشته خود را از دست داده است (Sushentsov, 2013). لذا تشکیل هرگونه اتحاد نظامی برای مقابله با این سازمان، منجر به احیای روابط اعضای ناتو شده و به تقویت آن کمک خواهد کرد.

چهارم: در حال حاضر مسائل اصلی و عمده روسیه که به‌طور مستقیم بر روابط راهبردی این کشور اثر گذاشته است، بیشتر در چارچوب مسائلی همچون توسعه اقتصادی و همچنین همکاری‌های بخش فناوری دنبال شده است. نمودار ۳ نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته، چه تغییراتی در این زمینه در سیاست خارجی و منطقه‌ای روسیه ایجاد شده است.

نمودار ۳. مهم‌ترین مسائل روسیه، مطرح شده از سوی محافل فکری و دانشگاهی این کشور طی سال‌های گذشته



Source: Locoman, Papa, 2021

همان‌طور که در نمودار ۳ نمایش داده شده، مسئله همکاری اقتصادی، تجاری و مالی در کنار همکاری‌های سیاسی و امنیتی از جمله مهم‌ترین مسائلی بوده که کارشناسان روس طی سال‌های گذشته بر آن تأکید کرده‌اند. طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ مهم‌ترین مسئله این کشور، همکاری‌های اقتصادی بوده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مسکو تا چه اندازه در برقراری روابط راهبردی خویش، بر توسعه همکاری‌های اقتصادی و مالی اهمیت قائل شده است. علاوه بر عرصه اقتصاد، مسئله همکاری‌های فناورانه نیز برای دولت روسیه طی یک دهه گذشته از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است.

با توجه به مسئله‌شناسی راهبردی روسیه، به نظر می‌رسد کشورهایی که قابلیت‌های اقتصادی، تجاری و همچنین سیاسی دارند، بر صفحه شطرنج سیاست خارجی روسیه، مهره کلیدی‌تری به شمار می‌روند. لذا به نظر می‌رسد به‌منظور توسعه هرچه بهتر روابط با این کشور باید بر توسعه همکاری‌ها در بخش اقتصادی، فناوری و سیاسی تأکید ویژه‌ای داشت.

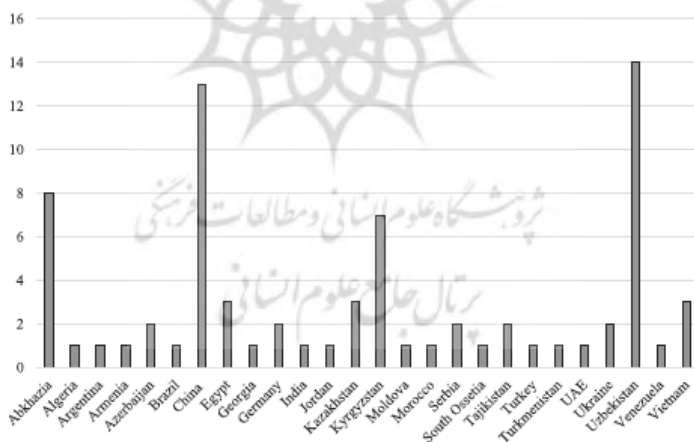
پنجم: روس‌ها معتقدند برای نخستین بار در طول تاریخ، رقابت‌های جهانی، دارای بعد تمدنی شده است (MFA, 2013). این مهم بدان معنا است که سیاست خارجی و دیپلماسی روسیه، تأکید فراوانی بر توسعه عقاید خویش دارد. روسیه تمایل به گسترش روابط راهبردی با کشورهایی دارد که بتواند با کمک آن‌ها، ایده‌ها و عقاید خود را توسعه دهد. رهبران روسیه معتقدند، با تلاش برای پیوند میان تمدن‌ها، می‌توان رهبری فکری روسیه در جهان را تضمین کرد. لذا کرملین در سال‌های اخیر، می‌کوشد تا جهان چندقطبی را با کمک تمدن‌های بزرگ بشری همانند چین به پیش ببرد. از نگاه رهبران روس، روابط راهبردی این کشور باید دربردارنده ابعاد تمدنی و فرهنگی گسترده باشد. یکی از دلایل مهمی که روابط روسیه با غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا طی سال‌های گذشته روی به وخامت نهاده، جدایی از رقابت‌های نظامی و ژئوپلیتیک، امکان‌ناپذیری همگرایی تمدنی میان دو کشور بوده است؛ بنابراین توسعه عقاید مشترک و حمایت از باورهای سیاست خارجی روسیه بخش جدایی‌ناپذیری از مشی سیاسی روسیه برای تدوین روابط راهبردی روسیه است.

ششم: روابط راهبردی روسیه کاملاً مبتنی بر عمل‌گرایی، منفعت مشترک و رفتار برابر و توسعه منزلت جهانی این کشور است. عمل‌گرایی و ایجاد منافع عینی برای طرف روس، در پی‌ریزی روابط راهبردی اصل بسیار مهمی به شمار می‌رود. بررسی نمونه‌های موفق در روابط راهبردی روسیه با دو کشور چین و بلاروس در سیاست خارجی روسیه

نشان می‌دهد، صرفاً در روابط راهبردی خود، اصول منافع ملی را در دستور کار قرار داده و از ائتلاف انرژی و صرف زمان برای چانه‌زنی‌های بیشتر یا گفتگوهای تشریفاتی استقبال نمی‌کند. در همین راستا، ارتقا یا تنزل روابط میان روسیه و سایر کشورها نیز کاملاً مبتنی بر تأثیری است که بر تقویت منافع روسیه به همراه بیاورد. درحالی‌که طی سال‌های گذشته، روابط راهبردی روسیه با ایالات متحده، به شدت کاهش داشته، اما در مقابل سطح روابط روسیه با چین از «مشارکت سازنده» به «مشارکت راهبردی جامع برای عصر جدید» ارتقا یافته است. در واقع پیشران اصلی ارتقای سطح همکاری‌ها در روابط راهبردی روسیه، سطح تأثیرگذاری بر منافع و منزلت روسیه است.

هفتم: مشارکت و روابط راهبردی با روسیه، لزوماً مبتنی بر متن مکتوب محقق نمی‌شود. سابقه رفتار روسیه در زمینه انعقاد موافقت‌نامه‌هایی که دارای واژه مشارکت راهبردی بوده، نشان می‌دهد که این کشور اگرچه لفظ یا واژه مشارکت راهبردی را در نگارش اسناد مشترک با کشورها استفاده می‌کند، اما تحقق این روابط لزوماً مبتنی بر اسناد شکل نمی‌گیرد. نمودار ۴ نشان‌دهنده این واقعیت خواهد بود.

نمودار ۴. تعداد موافقت‌نامه‌های مشارکت راهبردی روسیه با کشورهای مختلف



Source: Locoman, Papa, 2021

همان‌طور که در نمودار ۴ مشاهده می‌شود، روسیه با کشوری همانند ازبکستان، نزدیک به ۱۴ سند مشارکت راهبردی به امضا رسانده، اما این روابط در عمل محقق نشده است. در طرف مقابل، با کشوری همانند هند، تنها یک سند همکاری راهبردی به امضا رسیده و در حال حاضر می‌توان گفت که بخش قابل‌توجهی از این موارد محقق

شده است. ازبکستان نه تنها روابط راهبردی با روسیه را پیش برده، بلکه حتی در سال‌های اخیر، روابط نسبتاً سرد و تیره‌ای با مسکو داشته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعداد پرشماری از کشورها با روسیه موافقت‌نامه‌های مشارکت راهبردی امضا کرده‌اند که تنها تعدادی بسیار انگشت‌شماری از آن‌ها به نتیجه رسیده است. در نمودار ۵، هفت اصل کلیدی در تفکر رهبران سیاست خارجی روسیه برای تدوین روابط راهبردی نمایش داده شده است.

نمودار ۵. اصول تدوین روابط راهبردی با فدراسیون روسیه

یکم	اهمیت روابط غیررسمی و شخصی به جای روابط رسمی
	انعطاف پذیری بالا و پرهیز از تعهدات دفاعی
دوم	اهمیت روزافزون نهادهای اقتصادی منطقه به ویژه اتحادیه اقتصادی اوراسیا
	حفظ برتری و سلطه منطقه‌ای؛ عدم استقبال از رفتار مستقل در سازمان‌های منطقه‌ای
سوم	حساسیت به رویکردهای ناتو در منطقه
	عدم تمایل به تشکیل اتحاد و ائتلاف علیه ناتو
چهارم	اولویت مسائل اقتصادی بر سیاسی و امنیتی
	نقش کلیدی همکاری‌ها در بخش فناوری در روابط راهبردی
پنجم	تأکید بر روابط تمدنی در رقابت‌های جهانی
	تلاش برای همسوسازی کشورها با ایده‌ها و دیدگاه‌های جهانی روسیه
ششم	عملگرایی و تأکید بر منافع اقتصادی متقابل
	ارتقای منزلت منطقه‌ای و جهانی روسیه، معیار ارتقا یا تنزل روابط
هفتم	روسیه مبتنی بر تدوین توافق‌نامه، روابط راهبردی را دنبال نمی‌کند.
	روابط راهبردی باید در عمل، منافع اقتصادی عینی را برای دو طرف به همراه داشته باشد.

نمودار ۵ در واقع نشان می‌دهد که بنای روابط راهبردی با فدراسیون روسیه باید مبتنی بر چه عوامل و مؤلفه‌هایی باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران از تمامی این ظرفیت‌ها به‌خوبی برخوردار بوده و در صورت تنظیم دستور کار مشخص در گفت‌وگوهای دیپلماتیک، می‌توان به موفقیت در این زمینه امیدوار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های تشکیل روابط راهبردی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی از یک سو و اصول تدوین روابط راهبردی در سیاست خارجی روسیه از سوی دیگر، نقشه راه مشخصی را فرا روی دستگاه‌های تصمیم‌ساز و کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند. با توجه به تمایل جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط با مسکو و ارتقای آن به سطح راهبردی باید توجه داشت که این مهم در گام نخست، نیازمند زمان و طی یک فرایند مشخص است. روس‌ها، عموماً رویکردی فرایندی به روابط راهبردی دارند و آن را به‌مثابه یک پروژه نمی‌نگرند، بنابراین انتظار این‌که با امضای اسناد راهبردی و مشترک، بتواند در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت به سطح روابط راهبردی مطلوبی با روسیه برسد، دور از انتظار است.

آنچه در این زمینه برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است، تنظیم سیاست خارجی خویش در قبال روسیه مبتنی بر اصول و نقشه راه تدوین روابط راهبردی است. به نظر می‌رسد، ایران بر اساس مؤلفه‌های اصلی در تدوین روابط راهبردی و همچنین مختصات فکری رهبران روسیه، می‌تواند خود را به‌عنوان یک شریک راهبردی برای روسیه مطرح کند. رفتار سیاست خارجی روسیه طی سال‌های اخیر که همراه با مشارکت در بحران سوریه، تسهیل عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است، نشان می‌دهد که چنین درکی در میان سیاستمداران روسیه نیز شکل گرفته است؛ اما آنچه در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده، لزوم استمرار و تداوم این همکاری‌ها است.

جمهوری اسلامی ایران باید در تدوین روابط راهبردی با روسیه، به‌طور مشخص رویکردی عمل‌گرایانه و مبتنی بر منافع مشترک را دنبال کرده و از سوی دیگر نشان دهد که برای دولت روسیه در سیاست جهانی، اهمیت ویژه‌ای قائل است. برای روسیه، این نکته بسیار حائز اهمیت است که دولت‌های مقابل، این کشور را به‌مثابه یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار در سیاست جهانی به رسمیت شناخته و معتقد باشند که می‌توان با

همکاری روسیه، ایده جهان چندقطبی را محقق ساخت. این مهم برای روسیه بسیار حائز اهمیت است که درک رهبران و سیاستمداران کشور مقابل، تا چه اندازه همسو با هویت تاریخی روسیه است.

درعین‌حال، تصمیم سازان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، باید به این نکته توجه کنند که مسکو، روابط راهبردی را بر روی متن دنبال نمی‌کند. تأکید بر نگارش یک موافقت‌نامه بلندمدت راهبردی اگرچه امری لازم بوده و از جمله اصول و راهکارهای شکل‌گیری روابط راهبردی است، اما برای روسیه آنچه حائز اهمیت است، پابندی و جدیت در تحقق منافع مشترک است. مسکو تا زمانی حاضر به همکاری متقابل است که جمهوری اسلامی ایران را در پیاده‌سازی ایده‌های مشترک، مصمم و جدی ببیند. دیدارهای مکرر و پی‌درپی در سطح وزارت‌خانه‌ها و همچنین بهبود روابط شخصی و غیررسمی با این کشور از جمله راهکارهایی است که می‌تواند گام‌های عملیاتی مهمی برای تدوین روابط راهبردی با روسیه باشند.

در پیگیری روابط راهبردی با روسیه باید نسبت به نیازمندی‌های کنونی این کشور دقت نظر و توجه کافی داشت. مسکو انتظار دارد ایران بیشتر در فضای اقتصادی، سیاسی و فناوری، به همکاری با روسیه بیندیشد. مقامات روس، نسبت به این‌که ایران بخواهد مسکو را ابزاری برای کنترل رفتار آمریکا علیه خود در منطقه قرار دهد، حساسیت به خرج داده و این شکل از روابط را مفید برای دو طرف ارزیابی نمی‌کنند. نگاه جدید سیاستمداران روسیه، بیشتر بر مبنای توسعه اقتصادی از طریق سازوکارهای نهادی و منطقه‌ای در عین حفظ روابط دوجانبه و شخصی است.

روسیه در تفکر راهبردی خود، ایده رقابت تمدنی را در سیاست خارجی دنبال می‌کند. برای جمهوری اسلامی ایران که خود مفتخر به یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های جهانی است، این مهم یک فرصت جدی تلقی می‌شود. تمدن ایرانی، می‌تواند پتانسیل‌های جدی خود را در رقابت با غرب، در همکاری با قدرت‌های شرقی به‌ویژه روسیه به‌طور جدی بروز دهد. در حال حاضر، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران کمتر از تعامل میان‌تمدنی ایران و روسیه برای بهبود روابط راهبردی بهره‌برداری کرده است.

به‌منظور، تدوین روابط راهبردی با فدراسیون روسیه، باید تلاش کرد تا روابط مبتنی بر انعطاف‌پذیری تدوین شود. باید دقت داشت که مسکو خود را یک قدرت بزرگ بین‌المللی تلقی می‌کند و لذا از تحمیل گزینه‌ها در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حمایت نمی‌کند. جمهوری اسلامی ایران باید رفتار خود را در تعامل با این کشور

به‌گونه‌ای تنظیم کند که روسیه احساس کند ایران به دنبال اهرم‌سازی از روسیه در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی خویش نیست.

مقامات روس، به‌طور جدی از گسترش مناسبات امنیتی در سیاست خارجی خویش استقبال می‌کنند؛ اما ارائه تعهدات دفاعی و نظامی را مغایر با منافع راهبردی خویش می‌دانند. لذا باید توجه داشت که نباید در همکاری با روسیه، به ارائه تعهدات دفاعی و نظامی روی آورد. در مقابل نیز، جمهوری اسلامی ایران نباید خود را به‌عنوان یک همکار دفاعی و نظامی برای روسیه به شمار آورد، بلکه باید نشان دهد که در کنار روسیه برای تأمین امنیت منطقه‌ای به‌منظور توسعه صلح و تسهیل همکاری‌های اقتصادی و تجاری تلاش می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران باید از اهرم قدرت نرم خویش در تعامل راهبردی با روسیه بیش‌ازپیش بهره بگیرد. مسکو به‌شدت نیازمند جذابیت در سیاست خارجی است. در واقع جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با کمک به روسیه و تصویرسازی از این کشور به‌ویژه در منطقه غرب آسیا و همچنین توسعه همکاری‌های مشترک اقتصادی، مسکو را یک قدرت نرم بزرگ نشان دهد که توانسته علاوه بر موفقیت‌های چشمگیر دفاعی و نظامی، مسیر توسعه قدرت نرم خود را نیز به‌طور موفق، پشت سر بگذارد.

در پایان باید خاطرنشان ساخت که با توجه به اصول تدوین روابط راهبردی از و تحلیل‌های کارشناسی پیرامون نوع رویارویی روسیه با کشورهای مختلف، باید به تدوین روابط راهبردی با روسیه خوش‌بین بود. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، شناخت کافی نسبت به حساسیت‌ها و درعین‌حال، نیازمندی‌های راهبردی روسیه است.

منابع

- الوانی، سید مهدی، همتی مهاجر، صادق و بیگی‌نیا، عبدالرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه ساختار سازمانی با هوش سازمانی. *مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*. سال ۳، شماره ۱۱، صص ۵۴-۲۵.
- دسلر، گری (۱۳۹۱). *مبانی مدیریت منابع انسانی*، چاپ نهم، مترجمان: سیدمحمد اعرابی و علی پارسایان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۲). مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۳-۲۰۱۱، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۸۲، صص. ۵۳-۸۰.
- سعادت، اسفندیار (۱۳۹۵). *مدیریت منابع انسانی*، چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات سمت.

کیوان حسینی، سیداصغر؛ جوکار، صادق؛ خوشگفتار لامع، حامد. مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی انرژی آمریکا ۲۰۲۳-۲۰۱۶. *مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*.

۱۴۰۲؛ ۱۵ (۵۹): ۲۴۴-۲۱۷. <http://iieshrm.ir/article-۲۱۷-۲۴۴>; ۱-۱۶۱-fa.html

Belobrov, Y. Y. (2014). Modern Russian – Iranian Relations: Challenges and Opportunities. In Russian International Affairs Council (RIAC). Working Paper. No. 14. 62 p.

Brader, T. (2006). *Campaigning for hearts and minds: How emotional appeals in political ads work*. Chicago: University of Chicago Press.

Demidenko S.V (2014), "Iran's Regional Policy and Russian Interests", Russian International Affairs Council (RIAC):61.

Elder, L. & Paul, R. (2006). *The miniature guide to the art of asking essential questions*. Dillon Beach, CA: Foundation for Critical Thinking.

Knotts, H. G. & Haspel, M. (2006). The impact of gentrification on voter turnout. *Social Science Quarterly*, 87 (1), 110-121.

Kozhanov, Nikolay. (2015). *Understanding the Revitalization of Russian Iranian Relations*, Carnegie Moscow Center, Available at: www.carnegieendowment.org/files/cp_kozhanov-web-eng.pdf, Accessed on: 22/05/.2016

Michalski, Anna. Nilsson, Niklas. (2019). *Resistant to Change? The EU as a Normative Power and Its Troubled Relations with Russia and China*. *Foreign Policy Analysis*, Volume 15, Issue 3, July 2019, Pages 432–449, <https://doi.org/10.1093/fpa/ory008>

Miller, T. E., Bender, B. E., & Schuh, J. H. (2005). *Promoting reasonable expectations: Aligning student and institutional views of the college experience*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

Newman, J. L., Fuqua, D. R., Gray, E. A., & Simpson, D. B. (2006). Gender differences in the relationship of anger and depression in a clinical sample. *Journal of Counseling & Development*, 84, 157-161.

Parker, John W. (2016). *Russia, Iran: Strategic Partners or Competitors?* Rice University's Baker Institute for Public Policy, available at: www.bakerinstitute.org/research/russia-iran.

Suchkov, M. (2016). Contemporary Russia-Saudi Relations: Building a Bridge of Cooperation over the Abyss of Discrepancies. *Iran & the Caucasus*, 20(2), 237–251. <https://www.jstor.org/stable/26548893>

Харитонов Дарья Викторовна (2023). *Перспективы Российско-Иранского Энергетического Сотрудничества*. *Геоэкономика энергетики*, (4 (24)), 77-100. doi: 10.48137/26870703_2023_24_4_77

Исаева, Е. А. (2024). *Текущее состояние и перспективы сотрудничества России и Ирана в нефтегазовой сфере*. *Евразийские исследования*, (1), 78-85. doi: 10.24412/3034-3372-2024-1-78-85